

گزارش «وطن امروز» از تأثیر چالش مسکن در ایران بر اقتصاد خانواده‌ها

سنگینی سقف بر شانه خانوار



محمدطاهر رحیمی

از یک چالش اقتصادی به یک مساله اجتماعی تبدیل شده است که فشار هزینه‌های آن، معیشت و رفاه میلیون‌ها خانوار را هدف قرار داده است. در حالی که طبق آمار یروواستات، سهم متوسط هزینه مسکن از درآمد خانوار باید چیزی در حدود ۲۰ درصد باشد و کمتر از ۱۰ درصد خلوارهای شهری زیر فشار جدی این هزینه قرار داشته باشند، فشار هزینه مسکن در بخش اجاره در ایران بیش از ۴۲ درصد از سبد درآمدی خانوار را می‌بلعد. این یعنی فشار هزینه در ایران تقریباً ۲ برابر حد استاندارد است و این شکاف فاحش، زنگ خطر جدی را برای اقتصاد و جامعه به صدا درآورده است.این چالش مسسکن نه‌تنها رکود و تورم را تشدید می‌کند،بلکه بافرسایش سرمایه‌اجتماعی و امید به آینده، اثرات مخربی بر ساختار جمعیت و پایداری خانواده‌هابر جا گذاشته است.

■ **فشار هزینه‌ها: تهدیدی برای سایر بخش‌ها و رکود خدماتی**
وقتی بیش از ۴۲ درصد درآمد یک خانوار صرف هزینه‌های مربوط به اجاره یا اقساط مسکن می‌شود، نتیجه‌ای جز یک انقباض شدید در سایر بخش‌های حیاتی اقتصادی و اجتماعی نخواهد داشت. بالا بودن فشار هزینه مسکن برای خانوار باعث می‌شود خانوار عملاً از سایر هزینه‌هایش کم کند.این حذف‌های اجباری شامل هزینه‌های ضروری چون آموزش و بهداشت، هزینه‌های رفاهی چون تفریح و سرگرمی و پوشاک و کفش و حتی در مواردی هزینه‌های پایهای مانند خوراکی می‌شود تا بتواند هزینه سنگین مسکن را تأمین کند.
این کاهش اجباری در قدرت خرید خانوار، مستقیماً به اقتصاد کلان بازمی‌گردد و باعث رکود در تولید و ارائه خدمات مذکور می‌شود. با کاهش تقاضا برای محصولات فرهنگی، پوشاک و خدمات آموزشی، سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها کاهش یافته و مشاغل مرتبط دچار رکود می‌شوند. به این ترتیب، گرانی

مسکن، صرفاً یک کالای اقتصادی یا سرنپانهی برای سکونت‌نیست،بلکه‌بنیادی‌ترین نیاز اجتماعی و سنگ‌بنای ثبات خانواده و جامعه است. در سال‌های اخیر بازار مسکن ایران

که فشار هزینه‌های آن، معیشت و رفاه میلیون‌ها خانوار را هدف قرار داده است. در حالی که طبق آمار یروواستات، سهم متوسط هزینه مسکن از درآمد خانوار باید چیزی در حدود ۲۰ درصد باشد و کمتر از ۱۰ درصد خلوارهای شهری زیر فشار جدی این هزینه قرار داشته باشند، فشار هزینه مسکن در بخش اجاره در ایران بیش از ۴۲ درصد از سبد درآمدی خانوار را می‌بلعد. این یعنی فشار هزینه در ایران تقریباً ۲ برابر حد استاندارد است و این شکاف فاحش، زنگ خطر جدی را برای اقتصاد و جامعه به صدا درآورده است.این چالش مسسکن نه‌تنها رکود و تورم را تشدید می‌کند،بلکه بافرسایش سرمایه‌اجتماعی و امید به آینده، اثرات مخربی بر ساختار جمعیت و پایداری خانواده‌هابر جا گذاشته است.

■ **مقایسه داده‌ها، عمق این چالش را نشان می‌دهد.**
طی ۱۰ سال گذشته، اجاره‌بهای مسکن در ایران ۲۴ برابر شده، است که عمده درآمد خانوار را می‌بلعد. این شکاف رشد حیرت‌انگیز، فشار معیشتی بی‌سابقه‌ای را بر قشر اچاره‌نشین وارد کرده است. همچنین الگوی حمایتی در ایران و کشورهایی که توانستند بر چالش مسکن غالب شوند تفاوت ماهوی دارد. در کشورهای موفق، حدود یک‌سوم مستاجر‌ها از سیاست‌های حمایتی بهره‌مند هستند اما در ایران عمده منابع دولت صرف مسکن ملکی شده، که نشان‌دهنده نقص تاریخی در سیاست‌گذاری برای جمعیت کثیر مستأجر است.

■ **پیامدهای بلندمدت**
شاید جدی‌ترین و طولانی‌مدت‌ترین اثر فشار مسکن، تأثیر آن بر عرصه اجتماعی و خانوادگی باشد. تأمین مسکن مناسب، پیش‌نیاز اصلی تشکیل خانواده و فرزندآوری است. وقتی بخش عمده‌ای از درآمد خانوار صرف مسکن می‌شود و امکان پس انداز برای خرید یا حتی ارتقای مسکن وجود ندارد، عملاً توان و تمایل برای ازدواج و فرزندآوری که مستلزم تهیه مسکن و توسعه مسکن است، بشدت کاهش می‌یابد. جوانان به دلیل ناتوانی در تأمین سرپناه، از تشکیل زندگی مشترک دلسرد شده و زوج‌های جوان نیز به دلیل هزینه‌های کم‌رشدن مسکن، فرزندآوری را به تعویق انداخته یا کلاً از آن صرف‌نظر می‌کنند. این فرآیند در بلندمدت باعث پیر شدن جامعه، کاهش نیروی کار مولد و برهم خوردن توازن جمعیتی کشور خواهد شد، که خود به یک پارچالش غیرقابل بازگشت تبدیل می‌شود.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «وطن امروز» مطرح کرد

اخذ قیمت صادراتی گاز از پرمصرف‌ها

هدف اصلی باید کنترل مصرف غیر ضروری باشد، نه ایجاد سختی برای کسانی که در چارچوب الگوی متعارف زندگی می‌کنند یا در مناطق سردسیر ناگزیر از مصرف بیشتر هستند. اگر تعرفه‌گذاری بدون دقت و حساسیت لازم انجام شود، ممکن است پیامدهای نامطلوبی ایجاد کند.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفت: «در سیاست‌گذاری انرژی باید میان عدالت، بازدارندگی و حمایت اجتماعی توازن برقرار شود. اگر قرار است تعرفه یلکنای بازدارنده باشد، باید دقیقاً گروهی را هدف بگیرد که رفتار مصرفی آنها ناشی از رفاه‌دگی و بی‌توجهی به منافع عمومی است، در غیر این صورت اجرای سفت و سخت این سیاست می‌تواند به افشاری که توان مدیریت کامل مصرف را ندارند فشار بیاورد و این موضوع قابل قبول نیست».

وی افزود: «گر وزارت نیرو بتواند با سازوکارهای شفاف و عادلانه، پرمصرف‌های غیر ضروری را هدف قرار دهد، این اقدام ارزشمند و قابل حمایت است اما هر گونه افراط و سختگیری که منجر به افزایش هزینه خانوارهای متوسط و کم‌درآمد شود باید اصلاح شود. اصل مهم، ایجاد فرهنگ صحیح مصرف انرژی است؛ فرهنگی که در آن هر شهروند بداند مصرف بی‌رویه هزینه دارد و رعایت الگوی مصرف یک ضرورت ملی است».

رنجبرزاده در پایان گفت: «به طور کلی تعرفه‌گذاری یلکنای می‌تواند ابزار مناسبی باشد، به شرط آنکه اجرای آن با دقت و مسؤولیت‌پذیری همراه باشد. ما در مجلس موضوع را با نگاه حمایتی اما نظارتی دنبال می‌کنیم تا از یک‌سو پرمصرف‌های غیر ضروری کنترل شوند و از سوی دیگر فشار غیرمعمولی بر طبقات عادی جامعه وارد نشود».

■ **ریشه ناترازی گاز در ایران**

الگوی مصرف انرژی در ایران ناکارآمد است. شدت مصرف و سرانه مصرف گاز در بخش‌های خانگی و تجاری بسیار بالاست و ساختمان‌های کم‌عیار از نظر عایق، تجهیزات گرمایشی قدیمی و پارانه‌های گسترده قیمتی، باعث شده رفتار مصرفی پهنه‌ی شکل نگیرد. از سوی دیگر، ظرفیت تولید گاز کشور به چند میدان بزرگ متکی است که با گذشتن زمان نیازمند پروژه‌های فشارافزایی و نگهداشت هستند. تأخیر در سرمایه‌گذاری‌های بالادستی و توسعه میادین جدید مانند کیش و پارس شمالی، شکاف عرضه را مزمز کرده است. زیرساخت‌های انتقال و ذخیره‌سازی نیز ناکافی است. محدودیت در ایستگاه‌های تقویت فشار، ظرفیت خطوط سراسری و حجم ذخیره‌سازی زیرزمینی تاب‌آور شبکه را کاهش داده و امکان مدیریت پیک مصرف را دشوار کرده است.

■ **راهکارهای حیاتی: از تنظیم‌گری تا تولید هدفمند**
حل این چالش چندوجهی نیازمند یک نقشه راه جامع است که همزمان ۲ محور اصلی را پوشش دهد: افزایش عرضه هدفمند و تنظیم‌گری بازار برای جلوگیری از سفته‌بازی.
الف- **تنظیم‌گری و کنترل سفته‌بازی:** در گام اول، دولت باید ابزارهای تنظیم‌گری خود را فعال کند تا مسکن از یک کالای سرمایه‌ای صرف به یک کالای مصرفی برگردد. این امر از طریق اعمال مالیات‌های تنظیم‌گر امکان‌پذیر است:
- **مالیات بر عایدی سرمایه (CGT):** برای کاهش انگیزه سوداگری و معاملات مکرر غیرمولد.
- **مالیات بر خانه‌های خالی:** برای عرضه واحدهای مسکونی موجود به بازار اجاره و تنظیم قیمت.

- **مالیات بر خانه‌های اضافه:** برای افزایش هزینه نگهداری واحدهای دوم به بعد و سوق دادن سرمایه‌ها به سمت تولید.
- **مالیات بر زمین‌های بلااستفاده:** برای جلوگیری از احتکار زمین و تشویق به ساخت‌وساز.
ب- **افزایش عرضه و حمایت از تولید:** در گام دوم، باید عرضه مسکن هدفمند برای اقشار فاقد مسکن و کم‌درآمد تقویت شود:
- **در دستور کار قرار دادن توسعه افقی شهرها و اعطای زمین به خانواده‌های فاقد مسکن:** این سیاست، با کاهش سهم بالای هزینه زمین در قیمت نهایی مسکن، توانایی تأمین مسکن را برای اقشار کم‌درآمد افزایش می‌دهد.

- **احتکارزدایی از زمین‌های تحت مالکیت دولت و حاکمیت و در اختیار قرار دادن آنها** برای خلوارهای بدون مسکن
تملیکی در کنار حمایت تسهلاتی برای ساخت مسکن که همین سیاست وابستگی شدید برق به گاز نیز مشکل را تشدید می‌کند.
سهم بالای نیروگاههای گازسوز در سبد برق موجب رقابت مستقیم میان گرمایش خانگی و تولید برق در اوج مصرف شده است. هر محدودیت گاز، به سوزاندن نفت،گاز و مازوت می‌انجامد که تبعات زیست‌محیطی و مالی سنگینی دارد.

در نهایت، قیمت‌گذاری غیرواقعی و ضعف حکمرانی انرژی، فاصله قابل توجهی میان قیمت نهایی مصرف‌کننده و هزینه واقعی تأمین ایجاد کرده است. این وضعیت انگیزه مدیریت مصرف و سرمایه‌گذاری در بهره‌وری را تضعیف کرده و نبود داده‌های شفاف و پایش هوشمند، اجرای سیاست‌ها را دشوار کرده است.
ناترازی گاز پیامدهای گسترده‌ای دارد. نخستین پیامد کاهش تولید صنعتی و صادرات است؛ قطع یا محدودیت خوراک صنایع فولاد، سیمان و پتروشیمی بهره‌وری و رقابت‌پذیری را کاهش داده و زنجیره تأمین را مختل می‌کند.
دومین پیامد، افزایش هزینه بودجه و آلودگی هواست. جایگزینی سوخت مایع در نیروگاه‌ها هزینه‌های بودجه‌ای را بالا برده و آلودگی شدید هوا سلامت عمومی را تحت فشار قرار می‌دهد.

سومین پیامد، بی‌ثباتی خدمات عمومی است. افت فشار و قطعی‌های بارکنده اعتماد عمومی به خدمات پایه را فرسایش داده و مدیریت انرژی را هزینه‌بر می‌کند.
برای حل این مساله، مجموعه‌ای از سیاست‌ها در دستور کار قرار گرفته است:
نخست، مدیریت تقاضا و ارتقای کارایی انرژی با اجرای برنامه‌های عایق حرارتی در ساختمان‌های دولتی، استاندارد اجباری راندها، برای تجهیزات گرمایشی و تزویج سامانه‌های کنترل هوشمند دما.

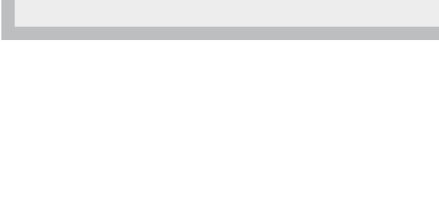
دوم، اصلاح تعرفه یلکنای هدفمند است. بازآرایی پله‌های تعرفه گاز خانگی با تمرکز بر مشترکان پرمصرف و حفاظت از دهک‌های پایین، سبکال‌هزینه قیمتی لازم برای تغییر رفتار مصرف در ماه‌های اوج را ارسال می‌کند.
سوم، تقویت ذخیره‌سازی و انتقال است. افزایش تزریق تابستانی به‌مخازن ذخیره‌سازی زیرزمینی، ارتقای تأسیسات برداشت زمستانی و نوسازی ایستگاه‌های تقویت فشار و خطوط سراسری برای توزیع پایدارتر در روزهای سرد سال در دستور کار قرار دارد.

چهارم، تنوع‌بخشی تأمین و همکاری‌های منطقه‌ای است. استفاده از قراردادهای سوآپ، تبادل فصلی با همسایگان و احیای مسیرهای واردات محدود در اوج زمستان برای پایداری شبکه پیش‌بینی شده است.
پنجم، آزادسازی گاز از سبد برق است. افزایش تولید برق



صفر کردن قیمت زمین در هزینه تمام‌شده ساخت مسکن باعث می‌شود هزینه مسکن حدود ۶۰ درصد کاهش یابد.
- **حمایت تسهلاتی از ارز قیمت بانک‌ها از خانوار برای ساخت مسکن:** تخصیص منابع بانکی با نرخ‌های ترجیحی و دوره‌های بازپرداخت بلندمدت به سازندگان و مالکان خرد برای ساخت واحد مسکونی مصرفی.
- **توسعه حمل‌ونقل حومه‌ای برای مسکن‌پذیر کردن اطراف کلانشهرها:** با فراهم کردن زیرساخت‌های سریع حمل‌ونقل عمومی، مناطق حاشیهای کلانشهرها به گزینیه‌های جذاب‌تری برای سکونت تبدیل شده و از فشار بر هسته مرکزی شهرها و قیمت مسکن کاسته می‌شود.

■ **نتیجه‌گیری**
فشار هزینه‌های مسکن در ایران یک پدیده ساده و تک‌عاملی نیست، بلکه نتیجه سال‌ها سیاست‌گذاری نامتوازن در بخش عرضه و عدم تنظیم‌گری در بخش تقاضا است. سهم ۴۲ درصدی مسکن از درآمد خانوار، نه‌تنها به رکود در صنایع دیگر دامن زده، بلکه مهم‌تر از آن، به طور مستقیم بر کاهش تمایل به ازدواج و فرزندآوری تأثیر گذاشته و آینده جمعیتی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. راه خروج از این چالش، نیازمند عزمی جدی برای اجرای همزمان ۴ رکن اصلی است: تنظیم‌گری بازار از طریق مالیات‌های هوشمند، توسعه افقی و اعطای زمین، حمایت تسهلاتی بانک‌ها و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل حومه‌ای. تنها با اجرای این بسته جامع، می‌توان امیدوار بود مسکن از یک عامل فشار، دوباره به رکن ثبات و رفاه در جامعه ایرانی تبدیل شود.



تجدیدپذیر، توسعه نیروگاه‌های CHP و بازیافت حرارت در صنایع و ساختمان‌های بزرگ برای کاهش وابستگی نیروگاه‌ها به گاز در ساعات اوج مصرف دنبال می‌شود.
ششم، سرمایه‌گذاری بالادستی و نگهداشت میادین است. فشارافزایی و پهنه‌سازی برداشت در میادین اصلی، تسریع توسعه میادین جدید و جمع‌آوری و تزریق گازهای همراه برای تبدیل اتلاف به عرضه، همراه با مدل‌های قراردادی جذاب‌تر برای جذب سرمایه و فناوری در دستور کار قرار دارد.

هفتم، پایش هوشمند و حکمرانی داده‌محور است. نصب کنترلهای هوشمند در مشترکان بزرگ، ایجاد داشبوردهای لحظه‌ای برای مدیریت فشار و مصرف و انتشار گزارش‌های دورهای برای پاسخگویی و اصلاح سیاست‌ها بر مبنای داده‌ها، بخشی از این سیاست‌هاست.

■ **پیش‌نیازهای موفقیت و ریسک‌ها**

اجرای این سیاست‌ها نیازمند تأمین مالی پایدار و ثبات مقرراتی است. پروژه‌های بالادستی و ذخیره‌سازی بدون منابع مطمئن و قراردادهای قایل اتکا به نتیجه نمی‌رسند.
عالت انرژی و همراهسازی افکار عمومی نیز حیاتی است. اصلاح تعرفه‌ها بدون طراحی سیر حمایتی برای دهک‌های پایین می‌تواند با مقاومت اجتماعی مواجه شود. شفافیت و بازگشت بخشی از صرفه‌جویی به مشترکان کلیدی، شرط موفقیت است.
هماهنگی بین‌بخشی نیز ضروری است. آزادسازی گاز از سبد برق تنها زمانی موفق خواهد بود که توسعه تجدیدپذیر، ارتقای شبکه و مدیریت بار همزمان پیش برود. بنابراین زمان‌بندی پیک‌ها اهمیت دارد. ذخیره‌سازی و سوآپ فصلی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق تزریق و برداشت و قراردادهای کوتاه‌مدت منطق با همسایگان است؛ هر تأخیر در تابستان، کمبود در زمستان را تشدید می‌کند.

ناترازی گاز در ایران محصول سال‌ها سیاست‌های عرضه‌محور، قیمت‌گذاری غیرواقعی و عقب‌ماندگی سرمایه‌گذاری در بالادست و زیرساخت‌هاست.

بسته سیاستی ۱۴۰۴ زمانی اثر گذار خواهد بود که ۳ محور به‌طور همزمان فعال می‌شود و می‌تواند به شرطی‌سازی افکار عمومی نسبت به نابرابری ساختگی یا بزرگنمایی‌شده منجر شود. از منظر تحلیل ساختاری، این نوع روایت‌سازی در ادامه همان گفت‌مان رسانه‌ای است که سیاست‌های عمومی را نه به عنوان فرآیندهای شفاف و قابل پیگیری، بلکه به مثابه شبکه‌ای از امتیازات خاص برای گروه‌های نامشخص بازنمایی می‌کند. نتیجه آن کاهش اعتماد عمومی و تشدید واگرایی ادراکی میان جامعه و حاکمیت است.

بیانیه شرکت ملی پخش فراآورده‌های نفتی با تصریح آمار رسمی و فرآیندهای ثبت و صدور کارت سوخت، تلاش کرده شکاف ادراکی ایجادشده توسط روایت اول را اصلاح کند اما استعمار این خط شایعه‌سازی نشان می‌دهد موضوع صرفاً اختلاف عددی نیست، بلکه بخشی از یک گفت‌مانی جدید است که از نمادها و استعاره‌ها برای تحریک افکار عمومی استفاده می‌کند. مواجهه با این وضعیت نیازمند همزمان ۲ اقدام است: تقویت شفافیت آماری از سوی دستگاه‌های رسمی و برخورد مسؤولانه دستگاه قضایی با کنشگرانی که از تکنیک‌های التهاب‌آفرین برای شرطی‌سازی جامعه استفاده می‌کنند.

سه‌شنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۴۷۷
[**اقتصادی**]

معرفی کتاب

چین چگونه سرمایه‌داری شد

کتاب «چین چگونه سرمایه‌داری شد» اثر رونالد کوز و نینگ وانگ، سعی دارد تحول شگفت‌انگیز چین در سالیان اخیر و تبدیل شدن چین به یکی از قدرت‌های اقتصادی را با خوانش سرمایه‌داری روایت کند و این مقوله زمانی جالب توجه می‌شود که پس‌زمینه کمونیستی چین و نظام حاکم بر آن از گذشته تا به الان نیز مدنظر باشد، چرا که همین الان نیز نظام سیاسی حاکم سوسیالیستی است. نویسندگان با رویکردی تاریخی – تحلیلی نشان می‌دهند این گذار نه نتیجه یک طرح از پیش تعیین‌شده، بلکه محصول اقدامات عملی و آزمایش‌های خودجوش در سطح پایین جامعه بود. کوز و وانگ استدال می‌کنند اصلاحات اقتصادی چین عمداً از پایین به بالا و از طریق ابتکارات محلی شکل گرفت و سپس توسط دولت مرکزی به رسمیت شناخته و گسترش یافت. این کتاب به بررسی دقیق دوره‌های کلیدی تحول چین می‌پردازد: از اصلاحات کشاورزی و ظهور «صنایع شهری و روستایی» که نخستین جرقه‌های سرمایه‌داری را ایجاد کردند، تا ایجاد مناطق اقتصادی ویژه و پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی. نویسندگان تأکید می‌کنند چگونه کارآفرینان محلی و مقامات محلی با آزمایش راه‌حل‌های عملی برای مشکلات اقتصادی، مسیر جدیدی برای توسعه ایجاد کردند.

کوز و وانگ سعی در بیان این نکته دارند که این رویکرد، درحقی به عمل‌گرا به چین اجازه داد بدوی شوک درمانی، به آرامی از اقتصاد برنامه‌ریزی شده فاصله بگیرد. این کتاب همچنین به تحلیل تناقض موجود در مدل چینی یعنی ترکیب حکومت تحت حزبی با اقتصاد بازار نیز می‌پردازد. اگر شما نیز می‌خواهید با این مساله چالشی و به ظاهر متضاد یعنی «ترکیب کمونیسم و سرمایه‌داری» بیشتر آشنا شوید، مطالعه این کتاب را به شما پیشنهاد می‌دهیم.

کتاب

کوز و وانگ سعی در بیان این نکته دارند که این رویکرد، درحقی به عمل‌گرا به چین اجازه داد بدوی شوک درمانی، به آرامی از اقتصاد برنامه‌ریزی شده فاصله بگیرد. این کتاب همچنین به تحلیل تناقض موجود در مدل چینی یعنی ترکیب حکومت تحت حزبی با اقتصاد بازار نیز می‌پردازد. اگر شما نیز می‌خواهید با این مساله چالشی و به ظاهر متضاد یعنی «ترکیب کمونیسم و سرمایه‌داری» بیشتر آشنا شوید، مطالعه این کتاب را به شما پیشنهاد می‌دهیم.

اخبار

میزان تجدیدپذیرها تا تابستان ۱۴۰۵ به ۱۱ هزار مگاوات می‌رسد

وزیر نیرو گفت انتظار می‌رود با عبور از ۳۱۰۰ مگاوات، خبر خوش رسیدن به ۵ هزار مگاوات را اعلام کنیم و تا تابستان آینده ظرفیت را به ۱۱ هزار مگاوات افزایش دهیم. به گزارش ایسنا، عباس علی‌آبادی روز گذشته در مراسم آغاز بهره‌برداری از ۴۴۵ مگاوات و عملیات اجرایی ۱۷۷ مگاوات در ۹۰ ساختگاه با بیان اینکه علاوه بر بهره‌رداری همزمان از ۴۴۵ مگاوات نیروگاه خورشیدی، عملیات اجرایی ۱۷۷ مگاوات نیروگاه خورشیدی جدید هم امروز (دربور) آغاز شد اظهار کرد: مجموع سرمایه‌گذاری صورت گرفته در این پروژه‌ها ۱۸۵ همت بوده است.

وی با بیان اینکه سرتاسر کشور تبدیل به یک کارگاه بزرگ توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر شده، گفت: در بخش آب، برق، خطوط انتقال و توسعه تجدیدپذیرها، پروژه‌های مهمی در سراسر کشور در حال انجام است.

به گفته وزیر نیرو، «این ۴۴۵ مگاوات نیروگاه خورشیدی با سرمایه‌گذاری ۱۲۳ همتی در ۱۵ استان و ۷۶ ساختگاه به بهره‌برداری رسیده و از مرز ۳۱۰۰ مگاواتی در توسعه تجدیدپذیرها هم عبور کردیم که امیدوارم به زودی خبر عبور از مرز ۵۰۰۰ مگاواتی را بدهمیم».

■ ■ ■

نفت از تصمیم اوپک پلاس جان گرفت

قیمت نفت در معاملات آسیایی روز دوشنبه، در واکنش به نتیجه نشست روز یکشنبه اوپک‌پلاس که با افزایش تولید برنامه‌ریزی شده قبلی در ۳ ماهه اول سال آینده مخالفت کرد، بیش از ۱٫۵ دلار افزایش یافت.

قیمت نفت برنت به ۹۴ سنت معادل ۱٫۵۱ درصد افزایش به ۶۳ دلار و ۳۲ سنت در هر بشکه رسید. نفت وست تگزاس اینترمدیت آمریکا با ۹۰ سنت معادل ۱٫۵۴ درصد افزایش به ۵۹ دلار و ۴۵ سنت در هر بشکه رسید.

اوپک‌پلاس در نشست روز یکشنبه موافقت کرد سطح تولید نفت را برای ۳ ماه اول سال ۲۰۲۶ بدون تغییر نگه دارد، زیرا این گروه در بحبوحه ترس از اشباع عرضه، در تلاش برای بازپس‌گیری سهم بازار محتاطانه عمل می‌کند. این گروه هنوز حدود ۳٫۲۴ میلیون بشکه در روز تولید خود را متوقف نگه داشته که ۱٫۲۴ میلیون بشکه در روز از آن، کاهش‌های داوطلبانه‌ای است که امسال در حال انجام آن بوده است. با این حال، قیمت‌ها تحت تأثیر چشم‌انداز ماراد عرضه جهانی نفت از افزایش عرضه تولیدکنندگان اوپک‌پلاس و رقابتی آنها و همچنین رشد ضعیف تقاضا، همچنان بسیار پایین‌تر از سطوح ابتدای سال ۲۰۲۵ هستند.

■ ■ ■

سدهای مهم ۳۲ درصد آب دارند

بر اساس آخرین آمار وضعیت مخازن سدهای مهم کشور، میزان پرشدگی سدهای مهم تنها ۳۲ درصد است. میزان ورودی مخازن کل کشور از ابتدای سال آبی (ابتدای مهرماه) تا هشتم آذرماه معادل ۲٫۳۳ میلیارد مترمکعب بوده که در قیاس با سال گذشته که عددی معادل ۳٫۷۸ میلیارد مترمکعب بوده، ۳۸ درصد کاهش داشته است. همچنین میزان کل خروجی سدهای کشور نیز نسبت به سال قبل با ۲۴ درصد کاهش مواجه بوده است. حجم آب موجود مخزن اکنون ۱۶٫۷۲ میلیارد مترمکعب ثبت شده که این عدد نسبت به سال قبل که عددی معادل ۲۲٫۷۱ میلیارد مترمکعب بوده، ۲۶ درصد کاهش یافته است. همچنین حجم پرشدگی سدهای کشور نیز تا این تاریخ ۳۲ درصد است. وضعیت برخی سدهای مهم کشور بیانگر این است که در ۱۶ درصد پرشدگی کمتر از ۱۰ درصد است، به‌طوری که سدهای لا، امیرکبیر و لتیان – مملو استان تهران، در دو دسته و طرق خراسان رضوی، سد ۱۵ خرداد حوزه قهرود، سد لومان آذربایجان غربی، سد استقلال و شمیل و نیان استان هرمزگان، سد سفیدرود استان گیلان، سد نهم استان زنجان، سد نسا کرمان و سد تنگه‌ه سیرجان استان کرمان ۸ درصد و سد رودبال داراب استان فارس کمتر از ۱۰ درصد آب دارند.